انترناسیونال 774

کاظم نیکخواه

**چپ اسلامی**

عبارت "چپ اسلامی" شاید واژه دقیقی بنظر نرسد. چون چپ واقعی اساسا ضد خرافه و دین و ارتجاع مذهبی است. و اسلام و جنبش اسلامی به راست تعلق دارد. اما کم نیستند افراد و جریاناتی که خودرا چپ و کمونیست و مارکسیست میدانند اما عمیقا آلوده به سنتها و مقدسات و گرایشات اسلامی و مذهبی هستند. همین الان نگاه کنید! در ایران یک جنبش گسترده ضد اسلامی و ضد مذهبی در جریان است که کاملا سیاسی و ضد حکومت است. مردم به تجربه دریافته اند که مذهب و اسلام یک صنعت پول در آوردن و دزدی است. آخوند مظهر مفت خوری است. مسجد و خرافات و سنتهای اسلامی از نظر اکثریت مردم ابزاری در دست یک مشت موجودات حریص و بی رحم و چپاولگر است. به همین دلیل یک جنبش ضد مذهبی و ضد اسلامی در جامعه جریان یافته است که به اشکال و روشهای بسیار متنوع و ابتکاری ای خودرا بروز میدهد. از حجاب برگیران دختران خیابان انقلاب تا "حسین پارتی" جوانان در روزهای محرم گرفته تا رقص زنان، روزه خواری علنی و رقص و موزیک "هپی"، موزیک زیر زمینی، به تمسخر گرفتن آخوند و نماز و امثال اینها. همه این حرکتها اعتراض دختران و پسران و مردم به حاکمیت ارتجاع کثیف اسلامی در ایران است و کاملا حرکتهایی سیاسی است و مورد حمایت حزب کمونیست کارگری است.

اما این مبارزات به مذاق برخی افراد خوش نمی آید. برخی از جریانات و افرادی که حتی خودرا چپ و کمونیست میدانند دفاع حزب کمونیست کارگری از "دختران خیابان انقلاب" و امثال اینها را مورد نقد و حتی تمسخر قرار میدهند. دفاع ما از مائده هژبری دختر جوانی که بخاطر انتشار رقصش مورد محاکمه و تعرض حکومت قرار گرفت، دفاع از رقص دختران و اعتراض عریان و آواز زنان و حجاب برگیران و امثال اینها برای بعضی ها ربطی به کمونیسم و مبارزه ندارد.

چپ های حاشیه ای از اینکه در جامعه امروز ایران این نوع حرکتها بعنوان مبارزه تلقی میشود خشمگین هستند و با عصبانیت میگویند آخر مگر با این نوع حرکتها میشود با جنبش اسلام سیاسی مبارزه کرد.

بیاد می آورم که چند سال پیش وقتی که ما در برابر کنفرانس برلین یک کارزار افشاگری و اعتراضی به جریان انداختیم که به از هم پاشیدن این کنفرانس که یک پروژه مهم دو خردادیها بود انجامید، چپهای سنتی شروع به حملات تند و لجن پراکنی علیه حزب کردند و بیشترین مثالشان به تمسخر گرفتن نیمه عریان شدن یکی از زنان در جریان این اعتراض بود. این زن اتفاقا عضو حزب ما نبود اما ابتکار جالبش در جریان این اعتراض حکومت اسلامی و کل اسلامی ها را بشدت برافروخته نمود. هنوز هم که حدود بیست سال از این جریان گذشته چپهای سنتی وقتی از کنفرانس برلین سخن میگویند کل کارزار و سخنرانی ها و راهپیمایی و افشاگریهای فعالین حزب کمونیست کارگری علیه حکومت اسلامی را قلم میگیرند و به این حرکت بعنوان یک "نقطه ضعف" حزب آویزان میشوند!

درک پیچیده ای نمیخواهد که انسان بفهمد که زدن زیر حجاب و سنتهای اسلامی مبارزه ای مهم و انسانی است و از جانب کمونیستها باید مورد حمایت قرار گیرد. انسان میماند که چطور در جامعه ای که حجاب اجباری است، رقص زنان گناه کبیره است، حتی حضور زنان در محلهای ورزشی ممنوع است و کلا اسلام بعنوان حکومت سرمایه دارد جنایت و چپاول میکند، زدن زیر این قوانین کثیف ضد انسانی و شکستن مقدسات ارتجاع حاکم چرا مبارزه نیست؟ چه چیز سر راست تر از نفی مقدسات و سنتهای اسلامی مبارزه با ارتجاع اسلامی حاکم تلقی میشود؟

دلیلش میدانید چیست؟ زیرا این جماعت بدون اینکه خود بدانند اسلام زده هستند. محرمات و حلال و حرام اسلامی برای اینها نیز معتبر است. برای اینها عفاف زن در پوشش اوست. عریان شدن زنان حرام است. "متانت" زن واجب است. علیرغم ظاهر چپ و امروزی شان اخلاقیات اسلامی در رگ و ریشه تفکرشان باقی مانده است و اینجا و آنجا بیرون میزند. براستی بحثهای سیاسی برخی از این چپهای اسلامی مثل روضه خوانی میماند. از قتل مریم فرجی و ترانه موسوی و مبارزات کارگران هپکو و امثال اینها استفاده میکنند و میگویند آیا رقص در اینستاگرام پاسخی به مادر مریم فرجی و ترانه موسی هست! یعنی انتظار دارند که کمونیستها مثل اسلامی ها عزاداری کنند و بخاطر جنایات جمهوری اسلامی چهل روز عزای عمومی اعلام کنند! فتوا میدهند که دفاع از رقص دختران و بی حجابی زنان و اعتراض عریان ربطی به کمونیسم و سوسیالیسم و طبقه کارگر ندارد.

در مورد چپ اسلامی بسیار بیشتر میشود گفت و باید گفت. تلاش اینها برای قهرمان شدن و قهرمان بازی و تحقیر مبارزات ساده و عادی ای که به وفور در جامعه جریان می یابد نیز کاملا از سنت اسلامی می آید.

کمونیسم جنبشی برای جارو کردن تحجر و سرمایه داری و برای دفاع از ارزشهای انسانی است. کمونیسم یعنی برابری طلبی، رفاه برای همه، حقوق و شان انسانی برای همه افراد و کلا تلاش برای یک جامعه انسانی و شاد و برابر. بر این اساس هر حرکتی که ضد ارتجاع و تعصب و تحجر و تبعیض است، کاملا باید مورد دفاع کمونیستها باشد. بویژه در جامعه ای که اسلام ابزار حاکمیت سرمایه است این حکم صد بار بیشتر معنا پیدا میکند. اعتراضات ضد مذهبی و ضد ارتجاعی مستقل از اینکه به چه شکلی بروز کنند جزئی از مبارزه کمونیستهاست. چپ اسلامی بی ربطی خود نه فقط به کمونیسم بلکه به کل اعتراضات اجتماعی در ایران را نیز نشان میدهد و جایی در این مبارزات و اعتراضات ندارد و نخواهد داشت و از چپ بودن فقط اسمی از آنرا یدک میکشد. این سنت عقب مانده را باید به حال خود رها کرد.